

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رمانی
کارهای
نوجوان

What
Katy Did

کار کارستان کیتی

سوزان کولیدج

Susan Coolidge

ترجمہ فی فاطمہ یگانہ



سرشناسه	جولین سوزان، ۱۸۳۵ - ۱۹۰۵ م.	Coolidge, Susan
عنوان و نام پدیدآور	کار کااستار کیتی / نویسنده سوزان کولیدج سارا چاونسی وولسی؛ با مقدمه ای از کتی کاسیدی؛ ترجمه ی فاطمه یگانه.	
مشخصات نشر	تهران: قدیانی، کتاب های نقشه، ۱۳۹۴.	
مشخصات ظاهری	۲۳۲ ص. مصور	
شابک	978-600-251-764-7	
وضعیت فهرست نویسی	فیبا	
یادداشت	عنوان اصلی:	What entity 4.2.09
یادداشت	گروه سنتی: ج	
موضوع	داستان های کودکان آمریکایی	
موضوع	راه و رسم زندگی - - داستان	
شناسه ی افزوده	یگانه، فاطمه، ۱۳۶۲، - مترجم	
رده بندی دیویی	۱۳۹۴ ک ۸۵۶ ک ۵۲ / ۸۱۳	
شماره ی کتابشناسی ملی	۴۰۴۴۷۹۳	



مجموعه انتشارات قدیانی

www.ghadya.com

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۳۲۶۴ (خط) دورنگار: ۶۶۴۰۳۲۶۴

کارستان کیتی

سوزان کوليج مترجم: فاطمه یگانه

ویراستار: رها شیخی طراح اونیفورم: حامد بهزاد غریب پور

اجرای جلد: رضا دلیر سولا صفحه آرا: حبیبی و فنی

زیر نظر شورای بررسی

چاپ اول: ۱۳۹۶ تعداد: ۱۶۵۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۱-۷۶۴-۷ ISBN: 978-600-251-764-7

کد: ۹۶/۲۶۶۱

چاپ و صحافی: چاپخانه‌ی قدیانی، تهران

کلیه‌ی حقوق محفوظ است.

۱۶۰۰۰ تومان

۷	مقدمه‌ی کتی کاسیدی
۱۱	۱. بچه‌های خانواده‌ی کار
۲۳	۲. بهشت
۳۵	۳. روزهای پردردسر
۴۹	۴. بازی کی‌کری
۶۵	۵. در انبار زیرشیروانی
۸۱	۶. دوستان صمیمی
۱۰۳	۷. آمدن دخترعمو هلن
۱۲۳	۸. فردا
۱۴۱	۹. روزهای غم‌انگیز
۱۶۱	۱۰. بابانوئل و روز محبت و دوستی
۱۸۷	۱۱. درس جدیدی برای یاد گرفتن
۲۰۱	۱۲. دو سال بعد
۲۲۱	۱۳. سرانجام



مقدمه‌ی کتی کاسیدی

اولین باری که این کتاب را در یک کتابخانه بود. ده یا یازده سال داشتم، ماجرا برمی‌گردد به سال ۱۹۷۰ میلادی و به دوستانم که همین‌طوری در کتابخانه‌های کاونتری^۱ بگردیم، و ببینیم چه استایلی جدیدی آمده است، کاونتری اسم شهری است که در آن بزرگ شدم. از این حقیقت خوشم می‌آمد که در کتابخانه آدم می‌تواند یک کتاب را انتخاب کند بدون اینکه مجبور باشد پول توجیبی‌اش که به سختی به دست می‌آید را برای نویسنده‌ای که اصلاً نمی‌شناسد خرج کند. این یک راه برای خطر برای انتخاب کتاب بود! بعد کافی بود کتاب را به خانه ببری و به دنیایی کاملاً متفاوت وارد شوی...

جلد آن چاپ قدیمی کتاب کارستان کیتی، بی‌نظیر بود. نظرم را به خودش جلب کرد. دختری که در تصویر بود یک کمکی شبیه به خودم بود. دختری با موهای بلند تیره و حالتی خیال‌پرداز و تا حدی گستاخ. یک جورهایی بی‌کله و سر، نظرم می‌رسید... به‌نظرم کتاب معرکه‌ای می‌آمد! آن روزها من مشتاق خواندن داستان‌هایی بودم که روزها و سال‌های یک زندگی واقعی را به تصویر می‌کشید. در آن سال‌های دهه‌ی ۱۹۷۰ این جور داستان‌ها هم کم بودند و هم در دسترس نبودند، اما به‌رغم اینکه کیتی در یک زمان و مکان خیلی متفاوت زندگی می‌کرد، کاملاً قادر بودم با او همزادپنداری کنم.

همان لحظه‌ای که کتاب را باز کردم اسیرش شدم... و واقعاً مشترکات فراوانی با کیتی داشتم! من هم، مثل کیتی خیالاتی بودم، اغلب خودم را توی دردسر می‌انداختم و خیلی بچه‌ی حرف گوش کنی نبودم، اما پدرم را خیلی دوست داشتم، که او هم مثل دکتر کار پرمشغله و فهمیده بود و باز مثل کیتی من هم تقریباً درازترین دختری بودم که تا به حال دیده شده بود... لاغر و لنگ‌دراز، با استخوان‌های بیرون‌زده. یک کتاب درباره‌ی دختری دیلاز و آتش‌پاره با موهای نامرتب، خیالات احمقانه و کلی قصد و نیت خوب؟ کیتی کار! دختر ایده‌آل و فوق‌العاده‌ای نبود، اصلاً آدم ایده‌آل کجا و کیتی کجا، اما برای من ایده‌آل بود!

در آن زمان، احتمالاً کیتی شخصیت خیالی مورد علاقه‌ام بود. دختری که همیشه تا خرخره توی دردسر می‌بود و از خواندن کتاب‌هایی درباره‌ی دخترهای باتریت و منظم که همیشه کار درست انجام می‌دادند، موضوع این کتاب برایم دل‌چسب و نشاط‌بخش بود. کیتی همیشه خرابکاری می‌کرد و چندان نیتش خوب نبود! شخصیت کیتی خیلی به‌نظرم واقعی و باورکردنی می‌آمد.

اگرچه فضای داستان کار کارستان کیتی، قرن نوزدهم و در آمریکا بود، تازه و نو، سرگرم‌کننده و سرشار از حیات بود، و من دیدگاه افراد به زندگی را در یک زمان و مکان کاملاً متفاوت خیلی دوست داشتم. یادم می‌آید، در آن هفته‌ی بارانی تعطیلات مدرسه، عروسک کاغذی کیتی و خانواده‌اش را ساخته بودم. من این دوستانم را سرگرم می‌کردم. مدام وقتم را می‌گذاشتم و برای این عروسک‌ها، مدل موهای مختلف، لباس و وسیله درست می‌کردم! ماجراهای داستان را با آن عروسک‌ها اجرا می‌کردم. حتی ما براهای جدیدی هم از خودم می‌ساختیم، و خیلی زود آنها را هم روی کاغذ آوردم. آن زمان، سخت علاقه‌مند به داستان‌پردازی در ذهنم بودم، هنوز هم هستم و این کتاب الهام‌بخش من بود تا درباره‌ی فضاهای داستانی کاملاً جدید و متفاوتی بیندیشم.

وقایع داستان کار کارستان کیتی، غیرقابل پیش‌بینی است و مرا حیرت‌زده و غافل‌گیر کرد، به‌خاطر اینکه در کتاب‌ها قرار نبود اتفاقات بد بیفتد، قرار بود؟ خوب شاید هم بود،

برای همین هم، آن وقایع غیرقابل پیش‌بینی باعث شد تا آخرین صفحه‌ی آن داستان را بخوانم. فقط باید می‌فهمیدم آیا همه چیز می‌خواهد در آخر داستان درست شود یا نه؟ کارستان کیتی، کتابی بود که نمی‌توانستم آن را زمین بگذارم... و در من این اشتیاق را ایجاد کرد که دوست داشته باشم بیشتر و بیشتر درباره‌ی این شخصیت بخوانم. من این کتاب را دوباره و دوباره خواندم و این یعنی کلی رفت‌وآمد به کتابخانه، و بعد دنباله‌ی داستان نایش را پیدا کردم، "کیتی در مدرسه" و "کیتی و اتفاقات بعدی"، آنها را هم با اشتیاق خواندم و این رفت‌وآمدها به کتابخانه به این ختم شد که آن سال برای کریسمس هر سه کتاب را به من دادند. نتیجه داد! سال‌ها بعد، وقتی شروع به نوشتن کتاب‌های خودم برای جرن‌ها کردم، به یاد داشتم که برای خواننده چقدر مهم است که با شخصیت اصلی داستان هم‌راهِ می‌کند، که احساسش را بفهمد و خودش را در مشکلات، امیدها و آرزوهای او شریک باشد. این روزها خوانندگان برایم نامه می‌نویسند و به وب‌سایتم ایمیل می‌فرستند تا به من بگویند "قد شخصیت‌های اصلی داستان‌هایم را دوست دارند، جینجر^۱ یا جوی^۲ یا دیزی^۳ یا ماوس^۴ یا اسکرتلتر^۵، و این یک حس فوق‌العاده است. چون می‌دانم دقیقاً همان احساسی را دارند که من آن قدیم‌ها وقتی ده، یازده سالم بود نسبت به کیتی داشتم.

کتاب‌ها گوشه‌های کوچکی از رؤیاهای یک مرد درخشان گریزی به دنیایی متفاوت که در آن همه چیز امکان‌پذیر است، حسی به من می‌گویند شما هم درست به اندازه‌ی من داستان کارستان کیتی را دوست خواهید داشت، کتاب را بزنید و به عالم رؤیا قدم بگذارید!

1. Ginger

2. Joey

3. Dizzy

4. Mouse

5. Scarlett